زوایای تلخ و دردناک مرگ مشکوک دختر ۱۵ ساله زیر درخت

گروه حوادث – خیلی ترسیده بودم پیکرش را درون شال خودش گذاشتم و آن را دور کمرم بستم. تا از روی موتورسیکلت سقوط نکند. بعد هم به طرف ابتدای جاده سالارآباد به راه افتادم و پیکر او را زیر درختی در جاده خاکی انداختم.

با دستگیری دو متهم در پرونده مرگ مشکوک دختر ۱۵ ساله ای در مشهد، زوایای تلخ و دردناکی از ماجراهای زیر پوست شهر نمایان شد.

کشف جسد

سپیده دم پنجم خرداد گذشته زنگ تلفن پلیس ۱۱۰ به صدا درآمد. خبر وحشتناک بود. جسد دختری نوجوان زیر تک درخت جاده خاکی در دو راهی روستای سالارآباد و دستگردان قرار داشت. طولی نکشید که تکاپوی نیروهای کلانتری شهرک شهید باهنر به اوج رسید. بی سیم ها به کار افتاد و خودروهای پلیس آژیرکشان به حرکت درآمدند. خبر درست بود. خیلی زود نوار «ورود به صحنه جرم ممنوع!» در اطراف جسد کشیده شد و نیروهای انتظامی با حفظ صحنه کشف جسد، مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد اطلاع دادند. عقربه های ساعت ۶ بامداد را نشان می داد که با حضور مقام قضایی، تحقیقات میدانی در این باره آغاز شد اما هیچ مدرکی به دست نیامد که بیانگر هویت دختر نوجوان باشد. کف سفیدرنگ از دهان و بینی دخترک بیرون آمده بود اما آثاری از ضرب و جرح روی پیکر وی دیده نمی شد. حلقه زرد رنگ بدلی در انگشت دست چپ وی، برای شناسایی این دختر ضمیمه پرونده شد و بدین ترتیب، جسد وی برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی مشهد انتقال یافت.

آن دختر مبینا بود!

درحالی که بررسی های پزشکی برای کشف راز مرگ تلخ این دختر ادامه داشت، گروه ورزیده‌ای از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی نیز با نظارت و هدایت سرهنگ کارآگاه مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی) وارد عمل شدند و تحقیقات گسترده ای را برای شناسایی هویت جسد آغاز کردند، کنکاش در بانک اطلاعاتی مجرمان نشان می داد که دختر نوجوان سابقه کیفری ندارد. درحالی که جست وجوها با عکس برداری از جسد برای شناسایی هویت دختر نوجوان ادامه داشت زن میان سالی گم شدن دخترش را به پلیس اطلاع داد. چند روز بعد با تطبیق تصاویر و لباس های دختر گم شده با جسد دختر نوجوان، بخشی از معمای پیچیده «مرگ مشکوک» حل شد. او دختر ۱۵ ساله ای به نام «مبینا» بود که یک روز قبل از کشف جسد از خانه بیرون آمده و دیگر هیچ کدام از اعضای خانواده از وی خبری نداشتند.

تحقیقات کارآگاهان که به سرپرستی کارآگاه «مصطفی مقدم» وارد مرحله جدیدی شده بود، حکایت از آن داشت که پدر «مبینا» مدتی قبل از دنیا رفته است و او به همراه مادر و برادر بزرگترش زندگی می کرد. این درحالی بود که مواد افیونی زندگی آن‌ها را در آشفته بازاری دردناک، رقم می زد.

برادر و مادر دختر نوجوان به مواد مخدر صنعتی از نوع «شیشه» اعتیاد داشتند اما «مبینا» دختری دانش آموز بود که از گوشی تلفن مشترک با مادر و برادرش برای کلاس های مجازی استفاده می کرد.

در این میان، کارآگاهان که با مشاهده وضعیت بی سروسامان در این خانواده، احتمال می دادند مرگ «مبینا» ریشه در مواد افیونی داشته باشد فرضیه‌های متعددی را زیر ذره بین تحقیقات پلیسی قرار دادند و در حضور سرهنگ کارآگاه نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) به تجزیه و تحلیل این فرضیه پرداختند.

پیامک های رمز آلود

دراثنای تحقیقات و بررسی غیرمستقیم پیامک‌های ارسالی به گوشی تلفن مشترک این خانواده، ناگهان سرنخی از این کلاف پیچیده به دست آمد. «حاضر باش دنبالت می آیم!»، «اگر برادرت تو را اذیت می کند، من او را گوشمالی می دهم!»

عامل ارسال این پیامک جوانی به نام «امید» بود که با «مبینا» قرار گذاشته بود. بلافاصله تحقیقات روی این جوان متمرکز و مشخص شد او از خرده فروشان حرفه ای و سابقه دار مواد مخدر است که از مدتی قبل مواد مصرفی برادر و مادر مبینا را تامین می کند و ارتباطی با اعضای این خانواده دارد.

بنابراین «امید» با صدور دستورات قضایی و در یک عملیات ضربتی و هماهنگ در منزلش دستگیر و به اتاق بازجویی پلیس آگاهی هدایت شد. این جوان ۲۳ ساله که ابتدا سعی داشت هرگونه ارتباط خود با اعضای خانواده را پنهان کند وقتی در برابر اسناد انکارناپذیر قرار گرفت، راز ماجرایی دردناک در زیر پوست شهر را فاش کرد.

او به افسر پرونده گفت: زمانی که با موتورسیکلت مواد مخدر صنعتی برای مادر و برادر «مبینا» می بردم با او آشنا شدم و تلفنی و پیامکی با یکدیگر در ارتباط بودیم چراکه من «شیشه» خرید و فروش می کنم و به صورت تلفنی با مشتریانم در تماس هستم! ولی خودم شیره تریاک مصرف می کنم! و ...

اعتراف تلخ

وی درباره چگونگی مرگ «مبینا» نیز گفت: من اطلاعی از مرگ او ندارم آخرین بار بعدازظهر روز چهارم خرداد بود که به مبینا پیامک دادم تا با هم گشتی بزنیم! و در منطقه نزدیک منزلشان قرار گذاشتم. حدود ساعت ۴ بعدازظهر او را سوار موتورسیکلت کردم و پس از نوشیدن آب میوه در کوی رضاییه، به منزل خودم بردم چراکه همسر و دختر کوچکم برای شرکت در مجلس عروسی یکی از بستگانم به تهران رفته بودند و هیچ کس در منزل نبود. وقتی به خانه رسیدیم من به پسرعمه ام زنگ زدم تا برایم مقداری شیره تریاک بیاورد! شب هنگام زمانی که پسرعمه‌ام به خانه من آمد، «مبینا» را آن جا دید.

او هم آن دختر را می شناخت به همین خاطر و با حالتی مضطرب گفت: مادر این دختر در پارک میرزا کوچک خان به دنبال او می گردد و بسیار نگران است. بعد از رفتن پسرعمه ام، من پای بساط مواد نشستم و مبینا هم یک عدد قرص متادون ۴۰ خورد و بعد هم سیگار کشید اما حالش خوب بود تا این که حدود نیمه شب شد.

آن جا بود که از مبینا خواستم به خانه بازگردد ولی او ادعامی کرد اگر در این وقت شب به منزل برود مادرش او را کتک می زند. بالاخره مشاجره و کشمکش های ما ادامه داشت تا این که به او گفتم: «من نمی توانم از تو در خانه ام نگهداری کنم.» او هم که خیلی ناراحت شده بود با عصبانیت بیرون رفت و من دیگر از او خبری نداشتم تا این که روز بعد وقتی حدود ساعت ۱۰ صبح از خواب بیدار شدم، فهمیدم که مبینا پیامک هایی برایم ارسال کرده است که من پشت در هستم. در را باز کن و...

دستگیری دومین متهم

در پی اعترافات "امید" (متهم ۲۳ ساله) بلافاصله کارآگاهان به ردیابی شماره تلفنی پرداختند که مبینا از آن گوشی پیامک های شبانه را برای امید ارسال کرده بود. طولی نکشید که جوان متاهلی به نام "محسن" زیر چتر اطلاعاتی کارآگاهان قرار گرفت و دستگیر شد.

جسد را با شال به کمرم بستم

دومین متهم این پرونده جنایی هنگامی که مقابل کارآگاهان ورزیده اداره جنایی پلیس آگاهی نشست، دستانش لرزید و چشمانش سوسو زد. او که من من کنان رشته کلام را گم کرده بود با دعوت به آرامش از سوی افسر پرونده گفت: ساعت حدود ۳ بامداد روز چهارم خرداد بود که به قصد خرید مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه از خانه ام در یکی از روستاهای اطراف مشهد خارج شدم و به خیابان چمن آمدم.

زمانی که سوار موتورسیکلت شیشه تهیه کرده بودم و قصد داشتم به خانه ام بازگردم دختر نوجوانی را دیدم که با خودش ناله می کرد. کنارش رفتم و پرسیدم: چی شده؟ روبه من کرد و گفت: دنبال یک گوشی می گردم تا تماس بگیرم. من هم گوشی تلفنم را دادم. او چند بار تماس گرفت ولی کسی به تماسش پاسخ نداد.

بعد از آن هم چند بار پیامک فرستاد. چون می ترسیدم گوشی تلفنم را سرقت کند او را سوار موتورسیکلت کردم و دقایقی را دور زدم بعد هم به طرف منزل خواهر معلولم در بولوار طبرسی شمالی رفتم. حدود نیم ساعت در خانه خواهرم با هم بودیم که دیدم حال آن دختر خوب نیست و نفس نمی کشد. کف از دهانش بیرون آمده بود. خیلی ترسیده بودم پیکرش را درون شال خودش گذاشتم و آن را دور کمرم بستم. تا از روی موتورسیکلت سقوط نکند. بعد هم به طرف ابتدای جاده سالارآباد به راه افتادم و پیکر او را زیر درختی در جاده خاکی انداختم.

حدود ساعت ۷ صبح بود که با همسرم تماس گرفتم و به او گفتم تصادف کرده ام ولی زمانی که به روستای خادم آباد رفتم همسرم مرا به منزل راه نداد. این بود که دوباره به مشهد بازگشتم و در پارک میرزا کوچک خان شیشه کشیدم سپس فهمیدم که جنازه‌ای در جاده روستای سالارآباد پیدا شده است.

دو متهم این پرونده با صدور قرار قانونی از سوی مقام قضایی روانه زندان شدند تا نظریه پزشکی قانونی، گره از معمای پیچیده و مرگ تلخ دختر نوجوان بردارد که آن شب در سیاهی روزگار جان سپرد.

گریم زنانه قاتل برای انتقام از پیرمرد پولدار

گروه حوادث – دو برادر که پدرشان سال‌ها قبل در یک حادثه کار جان باخته بود به دلیل کینه از صاحبکار وی پس از ۱۲ سال باربودن پیرمرد او را به قتل رساندند.

۲۱ مهر امسال مرد میانسالی به اداره چهارم پلیس آگاهی پایتخت رفت و از ناپدید شدن برادر ۷۹ ساله‌اش خبر داد. او گفت: فیروز مرد ثروتمندی است و کارگاه در و پنجره‌سازی دارد و در کار ساخت و ساز نیز است. ۱۸ مهر به کارگاه‌اش رفت و پس از اتمام کار راهی خانه شد، اما بعد از آن هیچ کسی از فیروز خبر ندارد و نمی دانیم چه اتفاقی برای برادرم رخ داده است.

زن‌ناشناس

با شکایت مرد میانسال، تحقیقات به دستور بازپرس محمدرضا صاحب جمعی آغاز شد و در نخستین گام کارآگاهان اداره چهارم به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف کارگاه پرداختند.

در ادامه با دنبال کردن خودروی سمند فیروز مشخص شد که او پس از پایان کار به سمت جاجرود حرکت کرده است و یک زن در خودرو اش بوده است. در حالی که بررسی‌ها برای یافتن فیروز ادامه داشت خودروی او در اطراف تهران رها شده کشف شد و همین مسأله، احتمال قتل و انتقامگیری از پیرمرد را مطرح کرد.

جسد سوخته

همزمان با تحقیقات پلیسی، بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران دستور بررسی پرونده اجساد ناشناس را صادر کرد که مشخصات آنها با مشخصات مرد ثروتمند شباهت داشته باشد.

در میان پرونده‌ها، کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی به پرونده جسد سوخته مرد ناشناسی رسیدند؛ پیرمردی که مشخصاتش مشابه با مشخصات فیروز بود و جسد سوخته‌اش در بیابان‌های اطراف دماوند کشف شده بود. در ادامه بررسی‌ها و با انجام آزمایشات از سوی متخصصان پزشکی قانونی، اعلام شد که جسد سوخته متعلق به همان مرد ناپدید شده است.

دستگیری متهمان

بررسی‌های تیم جنایی ادامه داشت تا اینکه پلیس متوجه شد از حساب مقتول ۵۰ میلیون تومان برداشت شده است و کارآگاهان پی بردند که زن ۴۶ ساله‌ای به نام سارا با مراجعه به طلافروشی و خرید سکه‌های طلا، پول را از حساب مقتول برداشت کرده است.

زن جوان بازداشت شد و در تحقیقات گفت: پسر خاله‌هایم افشین و اشکان کارت را در اختیارم قرار داده و از من خواستند تا برایشان سکه خریداری کنم. مشخصات روی کارت پاک شده بود و افشین با این عنوان که کارت برای خودش است آن را در اختیار من قرار داد.

با اعتراف زن جوان، افشین و برادرش بازداشت شدند. متهمان ابتدا منکر قتل بودند، اما زمانی که با مدارک پلیسی مواجه و متوجه شدند که جسد پیرمرد کشف شده، به قتل او با انگیزه انتقامگیری اعتراف کردند.

گفت‌وگو با متهم اصلی

افشین، متولد ۱۳۷۷، متهم اصلی و قاتل است، پسری که به‌خاطر کینه ۱۲ ساله‌ای که در دل داشت با همدستی برادرش این جنایت را طراحی و اجرا کرد.

مقتول را از کجا می‌شناختی؟

۱۲ سال است یا بهتر بگویم ۱۱ سال و ۸ ماه است که او را می‌شناسم و کینه مقتول را به‌دل داشتم. اسفند سال ۸۸ پدرم کارگری می‌کرد که از طبقه پنجم ساختمان در حال ساختی به پایین افتاد. فیروز صاحبکارش بود و علت این حادثه هم نداشتن وسیله ایمنی و رعایت نکردن اصول ایمنی بود. من و برادرم آن زمان دو پسر ۱۰ و ۱۲ ساله بودیم و کسی را نداشتیم که پیگیر کارهای پدرم باشد، اگر فیروز اصول کاری را رعایت کرده بود، ما یتیم نمی‌شدیم. ما زندگی سختی داشتیم. مقتول هم بدون توجه به سرنوشت تلخی که برای فرزندان و خانواده کارگرش رقم زده بود به زندگی خود ادامه داد و ما با حسرت نداشتن پدر و کینه از فیروز بزرگ شدیم.

نقشه‌تان برای انتقام چه بود؟

سارا، دختر خاله‌مان آرایشگر است. روز حادثه به سراغ او رفتم و از سارا خواستم مرا به شکل یک زن گریم کند. سارا اصلاً از نقشه ما خبر نداشت. بعد سوار خودروی اشکان شده و باهم به‌سمت کارگاه فیروز به‌راه‌افتادیم. در نزدیکی کارگاه، زمانی که فیروز در راه برگشت به خانه بود جلوی او را گرفتیم و از او خواستیم کارهای تعمیراتی ویلای‌مان در نزدیکی جاجرود را انجام دهد. ابتدا مخالفت کرد اما خیلی اصرار کردیم و قیمت پیشنهادی‌مان را خیلی بالاتر از قیمت بازار گفتیم و در نهایت پیرمرد را راضی کردیم با ما همراه شود.

بعد چه اتفاقی افتاد؟

او را به خانه بردیم و حبس کردیم، بعد سوار خودروی او شده و در یکی از شهرستان‌های اطراف تهران رها کرده و دوربین‌ها تصویری که گرفته بودند تصویر من با ظاهر زنانه و برادرم اشکان داخل خودروی فیروز بود. می خواستیم او را تنبیه کنیم و پول بگیریم، اما پیرمرد گفت که پولی ندارد و کارت عابر بانکش را خودش در اختیارمان قرار داد که ۵۰ میلیون تومان بیشتر موجودی نداشت.

پس چرا او را به قتل رساندید؟

روز سوم، حال فیروز بد شد و سکته کرد. من هم او را سوار بر خودروی برادرم کرده و به سمت دماوند به راه افتادم. در بیابان‌های دماوند توقف کردم و ظرف بنزینی را که همراهم بود بیرون آوردم تا او را بترسانم، اما فیروز خودش بنزین را روی خودش ریخت. او گفت همه اموالش را به بچه‌هایش بخشیده و هیچ آرزویی ندارد. از حرف‌هایش عصبانی شده بودم، از روی عصبانیت فندک را روشن کردم که یک دفعه شعله ور شد و پیرمرد در میان آتش جان خود را از دست داد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

دنیای عطر

دنیای عطر جزیره کیش مرکز تجاری
طبقه اول غرفه ۵۲
شماره تماس ۰۹۱۷۷۶۲۸۴۲۲

استخدام

نیروی خدماتی جهت امور انبار و پخش، بدون جای خواب وغذا نیازمندیم.
شماره تماس: ۰۹۳۶۳۴۶۱۸۸۶

جویای کار

آقا ۳۳ ساله متاهل جویای کار سرایداری می باشم .
۰۹۳۷۳۲۶۹۴۳۷

استخدام

به دونفر کارگر برای بسته بندی در شرکت سلولزی لطافت کیش با حقوق مکفی نیازمندیم
شماره موبایل ۰۹۱۲۲۲۰۴۵۵۹ بیستونی

کارمند امور اداری خانم آشنا به امور اداری و کامپیوتر جهت کار در یک شرکت نیازمندیم.متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید، بلوک b۳، طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

نیروی خدماتی(خانم ، آقا) جهت کار در یک شرکت نیازمندیم .متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه کنند.
شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

منشی شیفت بعدازظهر جهت کار در یک شرکت استخدام می شود.متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما – کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی –خدماتی –تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴ رضایی

تاسیسات ساختمانی کریمی
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

حمل بار

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

مفقودی

دفترچه اشتغال به کار به نام نورالهدا فضلی به شماره دفترچه ۲۰۷۵۲ شماره پاسپورت p۰۳۸۵۷۷۲۵ مربوط به شرکت انبوه سازان همای تهران پروژه کیش مال مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

کترینگ شیرین پلو ارسال به سراسر جزیره فاز ۲ صدف میدان گلستان
۴۴۴۴۳۰۷۲-۳

مشاور ملکی

مشاور امین ملکی شما
در جزیره کیش املاک امروز
۰۷۶۴۴۴۷۸۰۸۰

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹